سنجش نابرابری و جدایی‌گزینی اجتماعی – اقتصادی در شهر نقده

محمدحسن یزدانی (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران، نویسندهٔ مسئول)
yazdani@uma.ac.ir
مریم جامی اودولو (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران)
jamimaryam820@gmail.com
یوسف پاکنهاد (کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران)
yosefpak70@gmail.com

نسخه پیش انتشار

چکیده

جدایی‌گزینی شهری، در اکثر شهرهای جهان موضوع درخور توجهی است؛ چراکه نابرابری و جدایی‌گزینی شهری، موجب تمرکز شدید بر فقر و پیدایش طبقات پایین می‌شود که خود می‌تواند عامل پیدایش، گسترش و یا تشدید مسائل و مشکلات متعددی در شهر شود. درک رابطه بین ساختار فضایی شهر و الگوهای جدایی‌گزینی از عواملی هستند که باعث تحقق‌پذیری بیشتر در اجرای طرح‌ها و موفقیت بیشتر مدیریت شهری می‌گردد. بنابراین هدف پژوهش حاضر سنجش میزان نابرابری و جدایی‌گزینی فضایی اجتماعی گروه‌های تحصیلی و شغلی در شهر نقده است. روش تحقیق کمی بوده و رویکرد آن توصیفی – تحلیلی می‌باشد. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش از مرکز آمار ایران تهیه شده و مربوط به سرشماری سال ۱۳۹۰ شهر نقده می‌باشد. متغیرهای تحقیق شامل سطح تحصیلات و شغل افراد ساکن در نقده بودند که به منظور سنجش میزان نابرابری و جدایی‌گزینی تک گروهی بین طبقه‌های بالا، متوسط و پایین تقسیم شدند. داده‌های مورد نیاز در قالب نقشه با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، نرم‌افزار GeoDa و تحلیل نابرابری و جدایی‌گزینی فضایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به‌همین منظور ابتدا به سنجش میزان نابرابری و جدایی‌گزینی تک گروهی بین طبقه‌های بالا، متوسط و پایین شهر پرداخته شد. نتایج یافته‌های تک گروهی بر اساس تحلیل نقشه ضریب مکانی نشان داد که که پایگاه پایین در جنوب و جنوب غرب، پایگاه متوسط در جنوب و جنوب شرق، پایگاه بالا در شمال شرق و شرق بیشترین نابرابری و جدایی‌گزینی را دارد. در این میان در سطح شهر نقده پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین دارای بالاترین سطح جدایی گزینی است و بعد از آن پایگاه‌های بالا و متوسط قرار دارند. در مقایسه پایگاه‌ها با یکدیگر نیز، مقایسه پایگاه اجتماعی – اقتصادی پایین با دو پایگاه دیگر، جدایی‌گزینی بیش‌تری این پایگاه‌ها نسبت به یکدیگر را نمایش می‌دهد. در مقابل مقایسه‌ی دو پایگاه بالا و متوسط با یکدیگر جدایی‌گزینی کمتر این دو پایگاه و سازگاری بیشتر محیط مسکونی آن‌ها را نمایش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: جدایی‌گزینی شهری، شاخص جدایی‌گزینی، روش اندازه‌گیری تک‌گروهی، نقده.

۱. مقدمه

با توجه به رشد نابرابری‌های روزافزون در میان گروه‌های مردمی، جدایی‌گزینی شهری امروزه به مسئله مهمی در پژوهش‌های شهری تبدیل شده است. برخلاف الگوی جدایی‌گزینی‌های نژادی، قومی و مذهبی از جدایی‌گزینی اقتصادی- اجتماعی به عنوان حاصل تاثیر مستقیم نابرابری‌های اقتصادی یاد می‌شود (مارکینزاک و همکاران[۱]، ۲۰۱۶، ص. ۳۵۸). جدایی‌گزینی نه تنها مسئله‌ای است اجتماعی بلکه یک مسئلهٔ فضایی هم است. شهرها و مناطق شهری دارای مرزهای ذهنی (یا واقعی) هستند که دسترسی‌ها را محدود می‌سازند و شهروندان را مجزا، در انزوا و جدا شده نگه می‌دارند. این مرزها یا دیوارهای شیشه‌ای تهدیدی علیه جامعه شهری، رفاه، توسعه و رشد اقتصادی و دموکراسی شهری هستند (لقبی[۲]، ۲۰۱۳، ص. ۲). جدایی‌گزینی فضایی، دسترسی‌های نابرابر و قطبی شده به فرصت‌های جامعه را قوی‌تر و تشدید می‌سازد. علاوه بر مسائل مربوط به دسترسی‌ها، عدم ارتباط میان گروه‌های متفاوت اجتماعی ممکن است تبعیض‌ها و محرومیت‌ها را افزایش دهد، افراد را از مشارکت در سطوح اجتماعی مختلف محروم سازد و فرصت‌های شغلی و ارتقاء مهارت‌ها را کاهش و محدود سازد (فیتوسن[۳]، ۲۰۱۲، ص. ۳۲). جدایی‌گزینی شهری مانعی قابل توجه برای دستیابی به شهری فراگیر، همه‌شمول، منسجم و یکپارچه است. آثار مرتبط به جدایی‌گزینی‌ها نه تنها متوجه خانواده‌های فقیر می‌شود بلکه دیگر ساکنان شهر و همچنین ساختار شهرها از این پیامدها متاثر خواهند شد.

در شهرها، جدایی‌گزینی فیزیکی بین افراد و یا بین فعالیت‌ها ارتباطی مستقیم با ویژگی‌های فضایی دارد، حقیقتی که مسئلهٔ جدایی‌گزینی را برای برنامه‌ریزان و طراحان شهری به یک نگرانی تبدیل ساخته است. بیشتر پژوهش‌های مرتبط با جدایی‌گزینی شهری به جدایی‌گزینی سکونتی و یا جدایی‌گزینی مسکن تقلیل یافته و محدود شده‌اند. هر چند این رویکردها درکی عمیق از چگونگی جدایی‌گزینی و این‌که گروه‌های اجتماعی چگونه در شهر توزیع می‌شوند ارائه می‌دهند اما از تاثیر خاص محیط ساخته شده دانشی به دست نمی‌دهند. چگونه ساخته شدن و ساختار یافتن شهر دسترسی‌های افراد به منابع، محصولات و خدمات شهری را تحت تاثیر قرار می‌دهد (لقبی[۴]، ۲۰۱۳، ص. ۲). یکی از مهم‌ترین پیامدهای جدایی‌گزینی در سطح شهر به وجودآوردن محله‌های متفاوت شهری از نظر اجتماعی، اقتصادی و مسکونی می‌باشد. عوامل بسیاری موجب ایجاد جدایی‌گزینی می‌شوند. از جمله این عوامل می‌توان به عوامل اقتصادی و اجتماعی که (شامل اشتغال، درآمد، سطح سواد، تخصص، ثروت، قیمت زمین و امید به زندگی) می‌شود را نام برد. پژوهش‌های جدایی‌گزینی شهری و علل پیدایش آن‌ها به درک فرآیندهای فضایی- اجتماعی و مکانیزم‌هایی که تعاملات و ارتباطات میان گروه‌ها و طبقات متفاوت اجتماعی را شکل داده کمک می‌کند. فهم و دانشی عمیق از جدایی‌گزینی فضایی در شهرها برای طراحی و تقویت

---

۱. Marcińczak et al
۲. Legeby
۳. Feitosa
۴. Legeby

سیاست‌های عمومی به منظور مبارزه با گسترش جدایی‌گزینی فضایی و فرآیندهای فضایی – اجتماعی مرتبط با آن بسیار مهم و ضروری است. سیاست‌های شهری به شهرها کمک می‌کنند تا با مکانیزم‌هایی که جدایی‌گزینی شهری را تولید می‌کنند مبارزه کنند و یا این‌که آثار آن‌ها را به حداقل برسانند؛ سیاست هایی که تعادل و برابری اجتماعی در شهرها را افزایش و تقویت می‌بخشند دسترسی شهروندان را به خدمات شهری افزایش می‌دهند و در نتیجه نابرابری‌های اجتماعی در شهرها کاهش می‌یابد (بوقوس[۵]، ۲۰۰۸، ص. ٤٨). اگرچه درک کامل این پدیده در واقعیتی نهفته است که جدایی‌گزینی محصول سیستمی پیچیده است اما درک بیشتر و بهتر رابطه بین ساختار فضایی شهر و الگوهای جدایی‌گزینی از عواملی هستند که باعث موفقیت در اجرای طرح‌ها و موفقیت در مدیریت شهری می‌گردد. بنابراین عوامل اقتصادی– اجتماعی می‌تواند سبب جدایی‌گزینی شود که در این پژوهش مورد مداقه قرار گرفته است. لذا پرداختن به پدیده جدایی‌گزینی‌های شهری بسیار ضروری به نظر می‌رسد چرا که میزان بالای جدایی‌گزینی در نواحی مختلف شهر می‌تواند تمرکز فقر و محرومیت‌های ناشی از آن، از جمله کمبود فرصت‌های شغلی، خدمات عمومی و تبعیض‌های شدید که خود پیامدهایی همچون افزایش میزان نرخ جرم و جنایت را به همراه دارد، تشدید نماید و از طرف دیگر باعث سست شدن پیوندهای همسایگی و شکل‌گیری احساساتی می‌شود که جوامع کوچک از آن برخوردارند علاوه بر این زندگی و کار در کنار جمعیت بزرگی که هیچ نوع پیوندی ندارند، حس رقابت و استثمار متقابل را افزایش می‌دهد (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۹، ص. ۲۸۸–۲۹٦).

اقتصاد شهری به صورت آشکار در ابعاد مختلف شهری از جمله اشتغال، فقر، سکونت‌های غیررسمی، حاشیه‌نشینی، نوع حمل‌ونقل، ترافیک، قیمت مسکن، مهاجرت، آلودگی، مشکلات زیست‌محیطی، رفاه، و ... تاثیرگذار است، اما شهرستان نقده نیز در سالیان اخیر همانند شهرهای دیگر کشور با مشکلات اقتصادی مواجه است. زیرا بیکاری، نابرابری، محرومیت و انواع مختلفی از عدم تعادل ساختاری (در ارتباط با ترازپرداخت‌ها، صنعتی شدن و شهرنشینی و نظایر آن (به وضوح در بسیاری از جنبه‌های این شهرستان جریانی نامتعادل، غیرمستمر، غیرسازگار دیده می‌شود. در این میان شهر نقده به‌عنوان یک شهر (ناحیه شهری جمعیت حدود ۹۰۹۱۱) دربر می‌گیرد (فرمانداری نقده،۱۳۹۵). سکونت گروه‌ها و طبقات مختلف مردم از حیث اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ضمن آنکه تا حدی جدایی-گزینی اکولوژیک را در شهر نقده نمایان می‌سازد، به نوعی روی توسعه کالبدی و فضایی محلات و نواحی مختلف تاثیر گذاشته است. به عبارت دیگر عوامل اجتماعی و اقتصادی و به طبع آن عامل کالبدی ساختار فضایی شهر را تحت تاثیر خود قرار داده‌اند. در واقع پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین به دلیل سطح نازل وضعیت اقتصادی و اجتماعی و همچنین عدم رعایت اصول شهرسازی در تامین و پراکنش فضاهای اساسی و محلات بافت فرسوده به علت فرسودگی ابنیه، نفوذپذیری نامناسب، وضعیت نامطلوب دسترسی و حمل‌ونقل و به طور کلی عدم پاسخگویی بافت‌های فرسوده به نیازهای زندگی امروزی، همگی از عوامل بسیار مهم و قابل تأمل در رابطه با عدم تعادل فضایی هستند. افزون بر این، نواحی مذکور به دلایلی مانند قدمت، مهاجرت‌های قومی و قبلیه ای، ضعف‌های زیرساختی، فقر و محرومیت و ،... تا حدی جدایی‌گزینی

---

۵ . Bogus

اجتماعی را نیز در شهر نقده نمایان ساخته‌اند. مسئله قابل تامل دیگر اقدامات نسنجیده مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در امر تحقق طرح‌های ساماندهی و همچنین توسعه کالبدی شهر نقده است که بدون توجه به اصول و معیارهای عدالت فضایی در توسعه و ساماندهی کالبدی و خدمات عمومی شهری نه تنها نتوانسته است در راستای توسعه فضایی همگون میان نواحی و محلات شهری گام بردارد بلکه حتی موجب تشدید این مسئله نیز شده است. از این‌رو اهمیت و ضرورت این پژوهش واضح و روشن بوده و نتایج آن می‌تواند به‌صورت کاربردی در آینده مورد استفاده برنامه‌ریزان شهری و شهرسازان واقع شود. همچنین این مسأله جایگاه تحقیق حاضر را برای کمک رساندن به برنامه‌ریزان شهری، طراحان شهری و شهرسازان جهت برنامه‌ریزی صحیح محلات و مناطق شهری مشخص می‌کند.

بررسی، ارزیابی و اندازه‌گیری پدیده جدایی‌گزینی اجتماعی و فضایی در جوامع مختلف شهری و به‌ویژه در سطح محله های شهری به لحاظ جنبه ها و ویژگی‌هایی که موجب پدید آمدن نابرابری‌های فضایی شده اند، در سال‌های گذشته توجه زیادی به سوی خود جلب کرده است. با این همه و با توجه به پیچیدگی و چندبعدی بودن مفهوم جدایی‌گزینی، تعریف واحد و یکسانی از آن ارائه نشده است (افروغ[6]، ۱۹۹۹، ص. ۳٤). جدایی‌گزینی را به صورت تمایل ارادی و یا اجباری اقشار و گروه‌های گوناگون اجتماعی به جدایی فیزیکی از یکدیگر در عرصه‌های مختلف زندگی تعریف کرده است. بدین ترتیب جدایی‌گزینی مفهومی نسبی و متغیر به نظر می‌رسد که ممکن است نسبت به بخشی از جامعه و یا تمامی آن اتفاق بیفتد. همچنین با توجه به تنوع عوامل مؤثر بر جدایی‌گزینی که می‌تواند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، کالبدی یا اجتماعی باشد، نظریه‌پردازان و پژوهشگران با رویکرد و هدف متفاوتی موضوع جدایی‌گزینی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. در زمینهٔ موضوع جدایی‌گزینی مطالعات بی‌شماری در داخل و خارج انجام شده است که به اختصار به آنها اشاره می‌شود. پیرامون موضوع پژوهش، تحقیقات گسترده‌ای در سطح داخلی و خارجی انجام شده است که می‌توان به اختصار به چندین مورد اشاره کرد.

گلچین‌فر و همکاران (۱٤۰۳)، به سنجش جدایی‌گزینی فضایی-اقتصادی و ارتباط آن با ساختار فضایی شهر (مطالعهٔ موردی: کلانشهر تهران) پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از شکل‌گیری الگوی متمرکز ساختار فضایی و جداشدگی متوسط تا شدید برخورداری از شاخص‌های اقتصادی در مناطق شهر تهران است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بیشترین میزان ضریب رگرسیونی بین آنتروپی جمعیت و توزیع فضایی شاخص‌های اقتصادی مربوط به مناطق شمالی و مرکزی شهر تهران و کمترین میزان این ضریب مربوط به مناطق جنوب شرقی و جنوب شهر است و بین توزیع فضایی جمعیت و شاخص‌های اقتصادی در کلانشهر تهران روندی شمالی – جنوبی و شرقی – غربی برقرار است که باعث نواحی جدایی-گزینی فضایی و تمرکزگرایی در دو محور مرکزی و شمالی شهر شده است.

ضمیری و همکاران (۱٤۰۲)، در پژوهشی به تحلیل جدایی‌گزینی اجتماعی فضایی گروه‌های قومی در شهر بجنورد پرداختند. تحلیل و تبیین یافته‌ها نمایانگر آنست که پس از ارتقای بجنورد به مرکزیت استان، شاخص‌های جدایی‌گزینی سکونتی میان قومیت‌های بجنورد رو به رشد و شدت گرفتن بوده است. به ویژه در خصوص قومیت ترکمن، روند رشد

---

[6] . Afrough

و تشدید شاخص‌های یادشده به اندازه‌ای است که ادامهٔ آن می‌تواند به بروز بحران جدایی‌گزینی کامل در محله‌های ترکمن‌نشین بجنورد بینجامد. با توجه به اهمیت حفظ یکپارچگی و انسجام شهری، هرگونه طرح‌ریزی (بازنگری طرح جامع) به منظور توسعهٔ شهری و بازآفرینی بافت ناکارآمد و سکونتگاه‌های غیررسمی نیازمند توجه به موضوع جدایی‌گزینی اجتماعی فضایی گروه‌های قومی شهر بجنورد خواهد بود.

یزدان‌نیاز و همکاران (۱۴۰۲)، به بررسی جدایی‌گزینی فضایی –اجتماعی بافت ناکارآمد محلهٔ قیطریه تهران پرداختند.

نتایج حاصل از پژوهش حاکی از این امر می‌باشد که الگوی توزیع ابعاد اقتصادی و کالبدی دارای الگوی توزیع خوشه‌ای است و بعد اجتماعی در این منطقه الگوی تصادفی دارد.

یزدانی و همکاران (۱۴۰۲)، به تحلیل جدایی‌گزینی در عرصه‌های روستا شهری با تاکید بر توسعه میان‌افزا (موردپژوهی :عرصه‌های روستاشهری شهر اردبیل) پرداختند. نتایج سطح‌بندی شاخص‌ها نشان داد که شاخص‌های مربوطه را می‌توان در شش سطح طبقه‌بندی کرد که شاخص نسبت مهاجرت خالص به کل در پایین‌ترین سطح و شاخص‌های تراکم جمعیت خالص و تراکم جمعیت ناخالص در بالاترین سطح قرار گرفتند و دسته‌بندی آنها نیز نشان داد که شاخص نسبت مهاجرت خالص به کل شاخص کلیدی جدایی‌گزینی در عرصه‌های روستاشهری به شمار می‌روند که تأثیر بسیار زیادی (دارای قدرت نفوذ بالا و وابستگی کمتر) در جدایی‌گزینی دارند.

جامی اودولو و همکاران (۱۴۰۱)، به بررسی جدایی‌گزینی فضایی – اجتماعی شهر اردبیل پرداختند. نتیجه پژوهش بیانگر این امر می‌باشد که ساختار اجتماعی – فضایی شهر اردبیل ازنظر گروه‌های تحصیلی و شغلی دارای الگوی کاملاً متمرکز است.

جامی اودولو و همکاران (۱۴۰۱)، به بررسی جدایی‌گزینی مسکونی شهر اردبیل پرداختند. نتیجه پژوهش بیانگر این امر می‌باشد که ساختار فضایی شهر اردبیل دارای الگوی متمرکز است و پهنه‌های با محرومیت بالا در بخش‌های شمال غربی و جنوب شرقی شهر قرار دارند.

لطفی و قضائی (۱۳۹۸)، به بررسی نقش جدایی‌گزینی در شکل گیری بافت‌های محنت‌زدهٔ شهری پرداختند. نتایج نشان می‌دهند که هر دو پدیدهٔ جدایی‌گزینی و محنت‌زدگی شهری در محدودهٔ مورد مطالعه با کیفیت‌های گوناگون روی داده‌اند. برهم نهاد این دو پدیده در محدودهٔ قاسم‌آباد نیز نشان می‌دهد که بلوک‌های فرسوده و جدا افتاده به لحاظ اقتصادی- اجتماعی و کالبدی تقریبا منطبق بر یکدیگر هستند، به این معنی‌که جدایی‌گزینی و تمرکز قشر ضعیف و انزوای آن‌ها از سایر گروه‌ها، از یک سو به گسترش فرسودگی در بافت‌های شهری می‌انجامد و از دیگر سو وجود بافت‌های فرسوده در ابعاد مختلف، شرایط را برای جدایی‌گزینی و تمرکز اقشار کم‌برخوردار شهری مهیا می‌سازد.

میرآبادی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان به تبیین و تحلیل عدم تعادل فضایی و سنجش عوامل موثر بر تمرکز و جدایی‌گزینی در شهر مهاباد نشان از عدم توسعه‌یافتگی مطلوب شهر مهاباد دارد. لذا عامل مسئله ساز، قابل توجه و دارای اولویت در ساختار فضایی شهر مهاباد، که موجب ایجاد شکاف، جدایی گزینی و تمرکز فضایی و همچنین دارای بیشترین اثر بر عدم تعادل فضایی شهر مهاباد است، عامل کالبدی و در راس آنها تاسیسات و خدمات شهری است.

جلیلی صدرآباد (۱۳۹۵)، در رساله دکتری خود به تأثیر ایجاد بزرگراه‌های درون شهری بر میزان جدایی-گزینی فضایی – اجتماعی محله‌های همجوار با آنها پرداخت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که بزرگراه امام علی (ع) سبب جدایی‌گزینی در محله‌های کرمان و فدک شده است. اما تأثیر این بزرگراه بر میزان جدایی‌گزینی محله‌های ازگل و اراج کمتر از محله‌های کرمان و فدک می‌باشد. این یافته به این دلیل است که قبل از ایجاد بزرگراه جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی بین محله‌های ازگل و اراج وجود داشته و ایجاد بزرگراه تأثیر کمی بر میزان جدایی‌گزینی داشته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ایجاد بزرگراه‌ها بر جدایی‌گزینی فضایی – اجتماعی محله‌های همجوار آنها تأثیر می‌گذارند، اما شدت تأثیرگذاری آنها بسته به ویژگی‌های محله‌های همجوار آنها متفاوت می‌باشد.

اسپیرانبورگ و همکاران (۲۰۲٤)، در پژوهشی به تکامل الگوهای تفکیک مسکونی در هلند بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ پرداختند. نتایج نشان داد که ارتباط مثبت بین افزایش جمعیت با پیشینهٔ مهاجرت غیر غربی در سطح شهرداری و رشد فضایی مناطق تحت پوشش وجود دارد.

ماتاس (۲۰۲٤)، در بررسی جدایی‌گزینی مسکونی: آسیب‌پذیری ساکنان پروژهٔ مسکن اجتماعی شیلی به این نتیجه رسیدند که جدایی‌گزینی مستقیماً به دلیل ایجاد مسکن اجتماعی در حاشیهٔ شهرها توسط دولت به دور از فرصت‌های شغلی و تجهیزات شهری، آسیب‌پذیری را افزایش داده است.

سان و همکاران (۲۰۲٤)، به جدایی‌گزینی اجتماعی وابسته به نوع فعالیت در منطقهٔ شهری توکیو پرداختند. نتایج نشان دهنده این امر می‌باشد که هرچه درآمد خانوار بیشتر باشد، میزان جدایی‌گزینی در بین همهٔ خانواده‌ها به‌جز فقیرترین خانواده‌ها کمتر است. علاوه‌بر این، تفاوت بین شاخص‌های جدایی‌گزینی درآمد فردی در نزدیکی منطقه مرکزی کمتر و در مناطق حومه شهر بالا است.

رودریگزر (۲۰۲٤)، به بررسی نابرابری اجتماعی و روندهای جدایی‌گزینی مسکونی در شهرهای جهانی اسپانیا (بارسلونا و والنسیا) پرداختند. نتایج نشان داد که افزایش سطوح نابرابری اجتماعی و جدایی‌گزینی مسکونی نشان‌دهندهٔ گرایش به قطبی‌گرایی است که تفاوت‌های مشاهده شده در ساختار اجتماعی را بازتولید می‌کند.

کلکوفسکی و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهشی به اندازه‌گیری جدایی‌گزینی اجتماعی مبتنی بر فعالیت پرداختند. نتیجه بیانگر این امر می‌باشد که تفاوت‌های قابل توجهی بین جدایی‌گزینی گروه‌های درآمدی در امتداد کریدورهای حمل‌ونقل عمومی وجود دارد.

فِیل[7] (۲۰۲۱) در مقاله ای با عنوان جدایی‌گزینی رابطه‌ای چارچوبی را برای یک رویکرد رابطه‌ای به جدایی‌گزینی ایجاد می‌کند که بر ساختارهای تعاملات، معاملات، و پیوندهای بین ساختارهای اجتماعی تأکید دارد. همچنین در این پژوهش ضمن اینکه به بررسی جدایی‌گزینی ارتباطات پرداخته شده است به مزایا و معایب بازیگران مختلف در کشمکش جدایی‌گزینی ارتباطات نیز پرداخته است. لذا موضوع فراگیر این است که تفکیک یک چیز خاص با علل و اثرات منظم

[7] . Fiel

آن غیرعادی نیست بلکه یک ویژگی ساختاری ذاتاً متناقض از روابط است که به عنوان تلاش بازیگران برای کنترل تکامل می‌یابد.

نیلسن و هنردال[8] (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان جدایی‌گزینی افراد دارای آموزش عالی بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۲ در سوئد نشان دادند که سهم بالایی از افراد دارای تحصیلات عالی در سنین ۲۵ تا ٦٤ سالگی جدایی‌گزینی فضایی کمتری در حوزهٔ جغرافیایی دارند. جدایی‌گزینی در سطح شهر و نواحی شهری بیشتر از بلوک‌های شهری است. گرچه الگوهای جدایی‌گزینی بین سالهای ۱۹۹۰–۲۰۱۲ مشابه است، با این‌حال، افراد در سال ۲۰۱۲ در مقایسه با ۱۹۹۰ بیشتر در مناطق جدایی‌گزین زندگی می‌کنند.

آلیون و گویلیان (۲۰۱۷) تأثیر ساختار فضایی شهری را بر جدایی‌گزینی اشتغال در شهر مارسی فرانسه بررسی‌کردند، آن‌ها با استفاده از روش های اقتصاد فضایی و مدل پروبیوتیک فضایی به این یافته‌ها دست پیدا کردند که زندگی در محله‌های فقیر و رو به زوال شهری از اشتغال ساکنان می‌کاهد.

لوپز و همکاران (۲۰۱٦) تأثیر ساختار فضایی شهری بر جدایی‌گزینی درآمدی شهرهای برزیل بین سال‌ها ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ را بررسی کردند. نتایج آن‌ها نشان داد کـه اول، تراکم محلی فعالیت‌ها جدایی‌گزینی درآمدی را افزایش می‌دهـد. این عامل در شهرهای چند مرکزی تاثیر بیشتری دارد و در شهرهای تک مرکزی تاثیر کمتری دارد. دوم، درجه چند مرکزی–تک مرکزی شهرها همچین بر جدایی‌گزینی‌ها تاثیر می‌گذارد: در حالی که تمرکز بالای فعالیت‌ها در اطراف CBD جدایی‌گزینی در شهرهای تک مرکزی را کاهش می‌دهد، تمرکز بالای مشاغل در اطراف و در درون زیرمرکزهایی که دور از CBD هستند جدایی‌گزینی را در شهرهای چند مرکزی کاهش می‌دهد. سوم، نتایج آن‌ها در ارتباط با اندازه شهر ناهمگون بود: تراکم اشتغال جدایی‌گزینی در شهرهای کوچک (تک مرکزی) را افزایش نمی‌دهد، جدایی‌گزینی در شهرهای متوسط را افزایش می‌دهد و جدایی‌گزینی در شهرهای بزرگ (چند مرکزی) را کاهش می‌دهد. در پایان آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که جدایی‌گزینی در ارتباط با گروه‌های درآمدی متفاوت است: در حالی که تراکم فعالیت‌ها جدایی‌گزینی فقیران را شدت می‌بخشد، در شهرهای چندمرکزی جدایی‌گزینی ثروتمندان را کاهش می‌دهد.

با مروری بر پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با موضوع حاضر می‌توان به این امر پی برد که در سطح شهر نقده پژوهشی در باب چگونگی جدایی‌گزینی اقتصادی – اجتماعی در شهر نقده، صورت نگرفته است. همچنین به‌منظور پر کردن خلأهای پژوهشی موجود و یادآوری لزوم توجه به عدالت اقتصادی و اجتماعی در سطح شهر نقده در راستای مدیریت مطلوب مساله کنونی، این پژوهش با هدف کمک به بهبود مسئله موجود در سال‌های آتی صورت گرفته است. از این‌رو، تحقیق حاضر به بررسی جدایی‌گزینی اقتصادی و اجتماعی در شهر نقده پرداخته است.

با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که بحث جدایی‌گزینی شهری در اثر بی‌توجهی به مفاهیم عدالت اجتماعی، در مقیاس شهری و محلی پدید آمده است؛ از این رو همانطور که در شکل ۱ نشان داده شده است، عوامل اقتصادی و اجتماعی شرایطی را بر شهر تحمیل می‌کند که به شکل‌گیری الگوهای همگرایی و یا واگرایی فضایی می‌انجامد و به واسطه

[8] . Nielsen and Hennerdal

برنامه‌های دولتی یا نیروهای اقتصادی تقویت یا تضعیف می‌شود. در این فرآیند، شهر مانند قطعات موزاییک به جهان کوچکی از جهان بزرگ ما تبدیل می‌شود که بسیار نفوذناپذیر می‌نماید (کاپلان[۹]، ۲۰۰٤، ص. ۱۷۵). لذا گروه‌های مختلف انسانی، مکان‌های مخصوص به خود را دارند که بر حسب فرایندهای رقابت در تملک و تسلط بر منابع و خدمات، حاشیه‌رانی و جدایی‌گزینی اجتماعی – فضایی تعیین می‌شود (قدیری، ۱۳۸۹، ص. ۹).

جدایی فضایی گروه‌های مختلف جمعیتی صفت بارز شهرهای تمام جوامع، چه بیشتر و چه کمتر توسعه یافته است. جمعیت نامتجانس شهرها می‌تواند ناشی از قومیت، درآمد و پایگاه اجتماعی باشد. جدایی‌گزینی فضایی از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که ساکنین شهرها از نظر درآمد، مذهب، نژاد، پایگاه اجتماعی – اقتصادی به دسته‌ها و گروه‌های گوناگون تقسیم می‌شوند (شکویی، ۱۳۹۱، ص. ۲۰۸). از این‌رو در انتخاب محله مسکونی همواره رقابت‌هایی میان قشرها و گروه‌های انسانی در جریان است و گروهی برنده می‌شود که از نظر قدرت و درآمد بیشتری بهره‌مند است.

نتیجه رقابت گروهی منجر به جدایی‌گزینی فضایی گروهی از گروه دیگر می‌شود. بدین‌سان که هر گروهی با پایگاه اجتماعی – اقتصادی برابر، معتقدات مذهبی یکسان و یا هم نژاد بودن گرد هم می‌آیند و منطقه یا محله‌ای را جهت سکونت خود انتخاب می‌کنند و یا از روی اجبار به زندگی در محله‌ای که فضاهای زیستی برای آنها تعیین کرده است، تن در می‌دهد (شکویی، ۱۳۹۱، ص. ۲۰۸). از این‌رو در انتخاب محله مسکونی همواره رقابت‌هایی میان گروه‌های شهری در جریان است. به‌طوریکه گروه‌های اجتماعی، در بخش‌های متفاوتی از شهر خوشه‌بندی می‌شوند (جوسپه[۱۰]، ۲۰۰۸، ص. ۳۲). مجموع این عوامل به تحرک و تمرکز گروه‌های مختلف (غنی و فقیر) در نقاطی از شهر منجر می‌شود و در شکل‌گیری یا تغییر مجدد ساختار اقتصادی – فضایی شهری و به دنبال آن بروز پدیدهٔ جدایی‌گزینی شهری نقش بسزایی ایفا می‌کند (زنگنه و سمیعی‌پور، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۲) که در صورت توجه نکردن به آثار و پیامدهای آن، شکاف فضایی و توسعهٔ نامتوازن را تشدید می‌کند.

۹ . Kaplan

۱۰ . Joseph

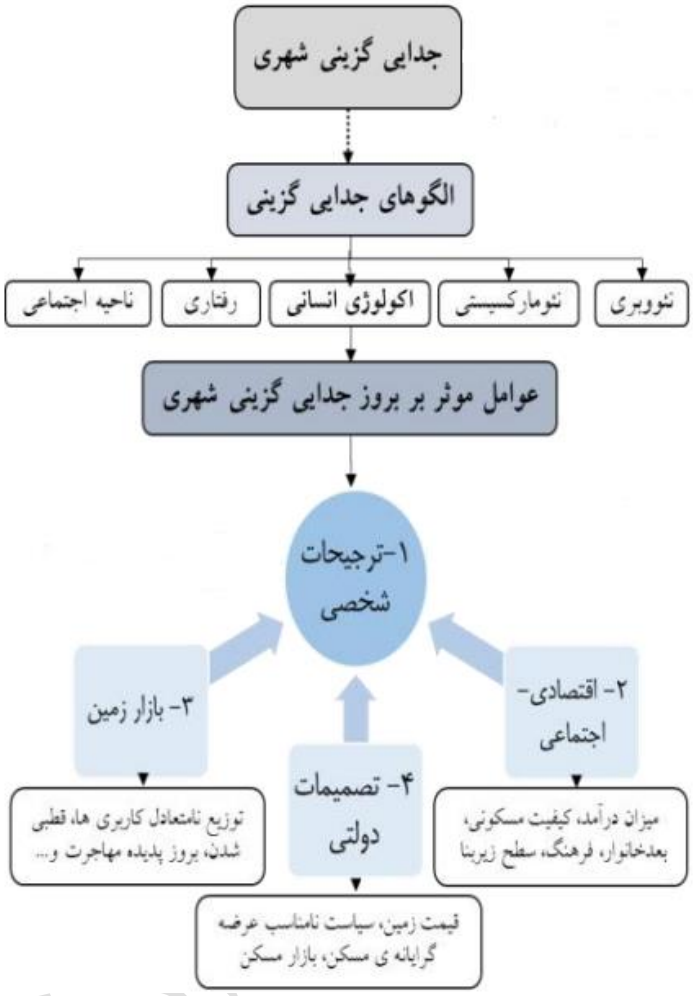

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

۲. روش‌شناسی

۱،۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف در حوزه پژوهش‌های کاربردی و از نظر ماهیت و روش تحقیق در زمره تحقیق‌های توصیفی –تحلیلی به شـمار می‌رود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از ابزار متن (سند) کاوی که نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ می‌باشد و لایه‌های GIS در سطح شهر نقده برحسب تقسیمات اداری – سیاسی وزارت کشور استفاده شده است. با استفاده از نرم افزارهای EXCEL جهت مدیریت داده‌ها، نرم‌افزار GEO-SEGREGATION ANALYZER جهت محاسبه شاخص‌های جدایی‌گزینی و نرم‌افزار ARC GIS جهت ترسیم الگوی فضایی براساس جدایی‌گزینی گروه‌های اجتماعی عمده مذکور استفاده شد. محاسبه‌ها در این نرم‌افزار، شامل سه

مرحلهٔ اساسی زیر است:

- تشکیل جدول اطلاعات که شامل جمعیت هر گروه در نواحی شهری است؛
- به کارگیری فرمول‌های شاخص‌ها؛
- خروجی گرفتن از نتایج فایل‌های خروجی (فایل متنی مانند TXT و ...).

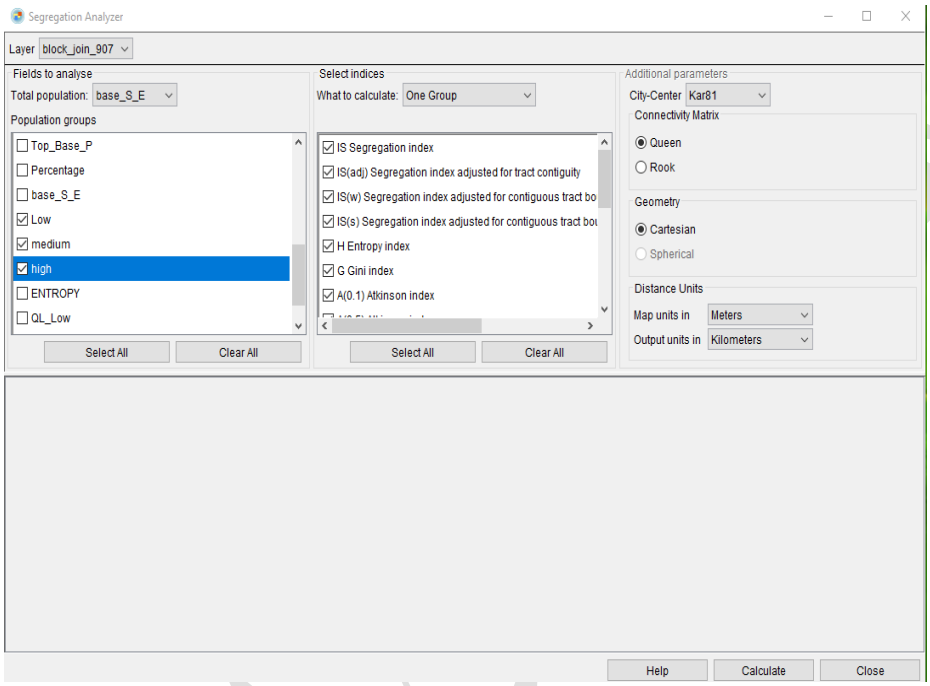

شکل ۲. نحوهٔ محاسبهٔ شاخص‌ها در نرم‌افزار تحلیلگر جدایی‌گزینی

به منظور رسیدن به هدف تحقیق یعنی تحلیل ساختار فضایی مورفولوژیکی شهر نقده و تاثیر جدایی‌گزینی طبقات شهری بر این ساختار فضایی ابتدا به سنجش میزان جدایی‌گزینی فضایی بر اساس پایگاه اجتماعی – اقتصادی ساکنان پرداخته می‌شود، سپس ساختار فضایی شهر براساس مدل‌های شناخت پراکنش فضایی با استفاده از آنالیز لکه‌های داغ مورد بررسی قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش کل محدوده شهر نقده به تفکیک بلوک‌های آماری (۹۰۷ بلوک) در قالب نقشه‌های سیستم اطلاعات جغرافیایی و افراد ساکن (۲۰۹٤۷ نفر) در این شهر می‌باشد. لازم بذکر است با توجه به مطالعات پیشین در دوره‌های مختلف تاریخی که بیشترین عوامل موثر بر جدایی‌گزینی شهرها عوامل اقتصادی و اجتماعی نظیر سطح سواد و اشتغال می‌باشد شاخص‌های پژوهش انتخاب شدند. حوزه‌های آماری براساس شاخص‌های در دسترس بیانگر طبقات جامعه یعنی سطح تحصیلات افراد و موقعیت شغلی با استفاده از داده‌های آماری سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران به سه دسته طبقه بالا، متوسط و پایین تقسیم شدند (جدول ۱).

جدول ۱. شاخص پایگاه اقتصادی– اجتماعی برحسب طبقات اجتماعی

ابعاد پایگاه اقتصادی – اجتماعی	طبقه بالا	طبقه متوسط	طبقه پایین

سطح تحصیلات	فوق‌لیسانس- دکتری حرفه‌ای - دکترای تخصصی- فوق دکتری	کاردانی و کارشناسی.	بی‌سواد، ابتدایی و راهنمایی، متوسطه و پیش دانشگاهی
نوع فعالیت	قانون‌گذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران و متخصصان	تکنسین‌ها و دستیاران، کارمندان امور اداری، کارکنان خدماتی و فروشندگان بازارها، کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری.	صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط، متصدیان و مونتاژکاران ماشین آلات و دستگاه‌ها و رانندگان وسایل نقلیه کارگران ساده

مأخذ: یافته‌های نگارندگان: ۱۴۰۴

در این پژوهش از شاخص‌های جدایی‌گزینی تک‌گروهی و خوشه‌بندی (جدول ۲) با استفاده از نرم‌افزار تحلیل‌گر جدایی‌گزینی که به وسیله آپریسو در سال ۲۰۰۸ در پژوهشکده شهرسازی، فرهنگ و اجتماع دانشگاه کوبک مونترال کانادا تولید شده است (آپاریکو و همکاران[11]، ۲۰۱٤، ص. ١٦). میزان و شدت جدایی‌گزینی فضایی شهر نقده مورد سنجش قرار می‌گیرد.

جدول ۲. ابعاد و شاخص‌های سنجش جدایی‌گزینی فضایی

بعد/ شاخص		تفسیر بعد/ شاخص
بعد	تک گروهی	سنجش‌های تک گروهی، اندازه‌گیری‌هایی هستند که شاخص‌ها را فقط برای یک گروه نسبت به کل جمعیت در محدوده مورد مطالعه دربرمی‌گیرند
شاخص	شاخص جدایی‌گزینی[12]	بین ۰ و ۱، مقدار توزیع عادلانه و برابری را نشان می‌دهد و مقدار ۱ جدایی‌گزینی کامل است.
	شاخص آنتروپی[13]	بین ۰ و ۱، مقدار توزیع عادلانه و برابری را نشان می‌دهد و مقدار ۱ جدایی‌گزینی کامل است.
	شاخص جینی[14]	بین ۰ و ۱، مقدار توزیع عادلانه و برابری را نشان می‌دهد و مقدار ۱ جدایی‌گزینی کامل است.
	شاخص اتکینسون[15]	بین ۰ و ۱، مقدار توزیع عادلانه و برابری را نشان می‌دهد و مقدار ۱ جدایی‌گزینی کامل است.

11 . Apparicio et al
12. Segregation index(IS)
13. Entropy Index(H)
14 . Gini index(G)
15 . Atkinson index (ATK)

	شاخص تراکم مطلق[16]	بین ۰ تا ۱، عدد صفر به معنای حداقل و ۱ به معنای حداکثر تراکم است.
بعد	خوشه بندی	مطابق این بعد، اشغال کردن واحدهای فضایی مجاور، بیشتر از سوی یک گروه – در حالی‌که از سوی گروه‌های دیگر احاطه شده است – موجب خوشه‌بندی بیشتر و در نتیجه، افزایش جدایی‌گزینی می‌شود.
شاخص	شاخص خوشه‌بندی مطلق[17]	این شاخص میانگین تعداد اعضای گروه X در مناطق مجاور را به‌صورت یک نسبت از کل جمعیت در مناطق مجاور، تعریف و مطرح می‌کند. مقدار این شاخص از حداقل صفر به معنی غیرهمجواری، و تا حداکثر نزدیک به یک(نه هرگز برابر با یک) به معنی هم‌جواری در نوسان است
	شاخص متوسط نزدیکی و مجاورت میان اعضای یک دسته[18]	ارزش این شاخص از صفر تا بی‌نهایت است. جایی که یک است به معنی عدم خوشه‌بندی می‌باشد، کمتر از یک به معنی این است که اعضای گروه X نزدیک‌تر به اعضای گروه‌های دیگر (به نسبت افراد از گروه خودشان) اقامت داشته‌اند، و بزرگ‌تر از یک به معنی این است که آن‌ها نزدیک‌تر به اعضای گروه خودشان به نسبت گروه‌های مختلف دیگر زندگی می‌کنند.
	شاخص تنزل فاصله[19]	ارزش این شاخص بین ۰ تا ۱ است. صفر به معنی عدم انزوا و جدایی و یک به معنی حداکثر انزوا و جدایی است

منابع: (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۲۲۵؛ مسی و دنتون[20]، ۱۹۹۸، ص. ۲۹٤؛ آپاریکو و همکاران[21]، ۲۰۱٤، ص. ۱٦)

۲,۲. محدوده مورد مطالعه

شـهر نقده، مرکز شـهرسـتان نقده در عرض ′۳٦ °۵۷ طول شمالی و ′٤۵ °۲۲ طول شرقی نسبت به گرینویچ واقع‌شده اسـت. فاصـله‌ای شهر از مرکز استان ۸۷ کیلومتر می‌باشد (شکل ۱–۳). ارتفاع نقده از سطح دریا ۱٤۸۸ متر می‌باشد. نقده از شـمال دریاچه ارومیه و شهرستان ارومیه منتهی می‌شود او در غرب به شهرستان اشنویه منتهی می‌گردد و از جنوب به شـهرسـتان پیرانشهر منتهی می‌گردد و نهایتاً از شرق به شهرستان‌های مهاباد و میاندوآب منتهی می‌شود (مهندسین مشاور

16 . Absolute Concentration index(ACO)
17. Absolute clustering index(ACL)
18 . Mean proximity between members of group X(Pxx)
19. Distance decay isolation index(DPxx)
20 Massey and Denton
21 . Apparicio et al

آرمان‌شـهر،۵:۱۳۹٤). جمعیت این شهر در سال ۱۳۳۵ معادل ٤٤٥۳ نفر بوده که در سال ۱۳۹۵ به ۹۰۹۱۱ نفر افزایش‌یافته است.

پراکنش اجتماعی شهر نقده به سه دسته بـالا، متوسـط و پـایین تقسیم می‌شود. گسـتره طبقه‌های متوسط و پایین بیشترین پراکنش را در سطح شهر دارد؛ گروه‌هایی که از مهارت‌های شغلی پـایین برخوردارنـد و معمولا با توجه به نوع شغل، سطح درآمد و سـطح تحصیلات از توان اقتصادی بالایی برخوردار نیستند. توسعه ناهمگون و گسسته مناطق مسـکونی شـهر، تمرکز فعالیت‌هـای نـاهمگون در مرکـز شـهر و کمبـود خدمات و عدم تعادل فضایی در استقرار مراکز خدماتی ویژگـی‌هـای بافت کالبدی شهر محسوب می‌گردد. همچنین وجود مهاجران و اقوام متفاوت فرهنگـی اجتمـاعی علاوه بر وجود ساکنان با سطح طبقاتی متفاوت باعث تحمیل بافت ناهمگون، پراکنده و از هم گسیخته شـهر شده و ساختار فضایی شهر را شکل متفـاوتی بخشـیده است. بخش‌هایی از شهر نقده بخصوص حاشیه آن توسط مهاجران روستایی اشغال شد، در مقابل، مرتبه پردرآمد شهری نیز مناطق زیبا با فضای سبز و هوای پاک را برای اقامت خود برگزیدند محلات جدیدالاحداثی مانند فرهنگیان یک، دو و سه در ناحیه دو به وجود آمدند. محله پناه‌آباد به شکل وسیعی گسترش پیدا کرد. هم‌چنین در نواحی جنوبی شهر محلات جدیدی حول محور بلوارهای نبوت و آزادی شکل گرفتند. در قسمت غرب شهر نیز نواحی مسکونی در حول محور بلوار مدرس، مدنی و سردار روحی به وجود آمدند. صد در صد ادارات و سازمان‌های دولتی در نواحی یک و دو که محل سکونت آذری‌هاست، قرار دارد. در شکل ۲ موقعیت شهر نقده مشخص شده است.

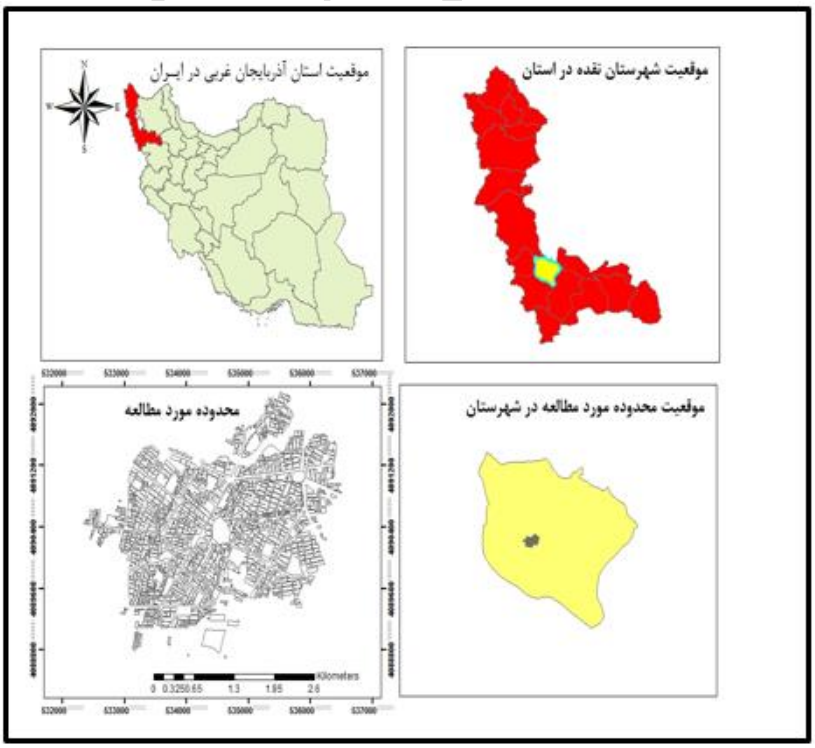

شکل ۳. موقعیت جغرافیایی شهر نقده

منبع: نگارنده،۱٤۰۳

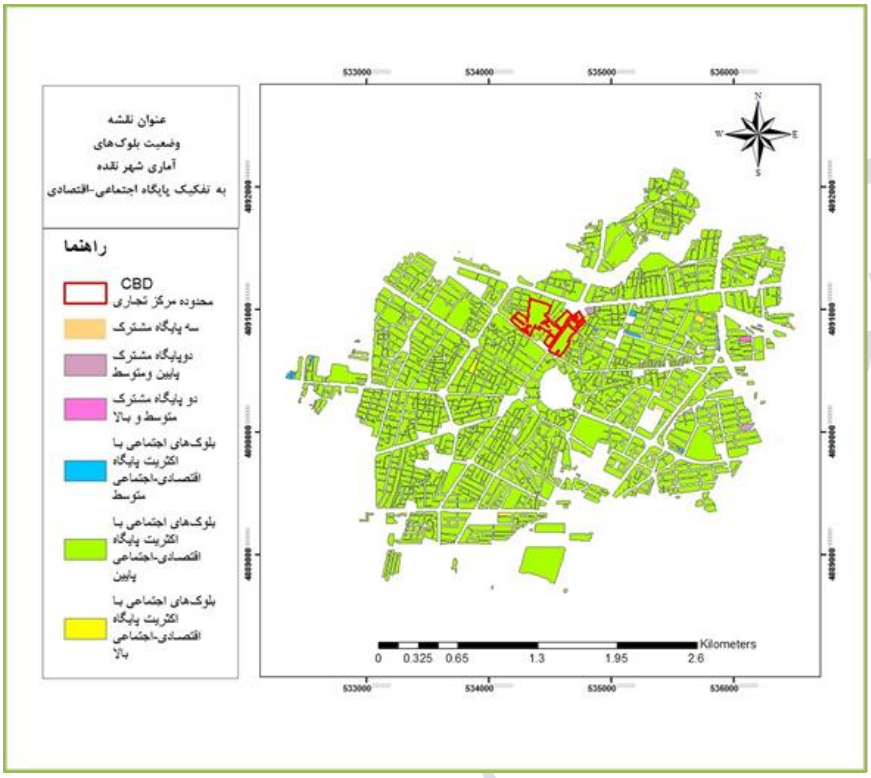

شکل ٤. نقشه بلوک‌های آماری به تفکیک پایگاه اجتماعی- اقتصادی

منبع: نگارنده،۱٤۰۳

۳. یافته‌ها

در ایـن قسمت چگونگی و نحوه جدایی‌گزینی گروه‌های مختلف اجتمـاعی شـهر نقده را با توجه به میزان تحصیلات و موقعیت شغلی افراد مورد بررسی قرار می‌دهیم. مقدار شاخص‌های جدایی‌گزینی فضایی بین ۰ و ۱ است: ۰ بیانگر جامعه‌ای کاملا همگون و ۱ بیانگر جامعه‌ای کاملا ناهمگون است. به طور تقریبی مقادیر کمتر از ۰/۳ بیانگر جدایی‌گزینی اندک، بین ۰/۳ تا ۰/٦ متوسط و از ۰/٦ به بالا بیانگر جدایی‌گزینی شدید است (ایسلند[۲۲]، ۲۰۱۰، ص. ۲۳). شاخص‌های به کار گرفته شده به سوال‌های فضایی که کدام قسمت شهر تحت تسلط کدام گروه جمعیتی است پاسخ نمی‌دهند. بنابراین از شاخص محلی جدایی‌گزینی به این منظور استفاده می‌شود. از جمله ضریب مکانی (LQ) به شناسایی واحدهای فضایی محدوده مطالعه کمک می‌کند. شاخص‌های جدایی‌گزینی بر حسب میـزان تحصیلات و موقعیت شغلی افراد مورد محاسبه قرار گرفته است (جدول ۳). میزان شاخص‌ها توزیع نابرابر، نامتعادل، ناهموار و در کل جدایی‌گزینی در سطح متوسط بر مبنای گروه‌های طبقاتی که متعلق به آن هستند را نشان می‌دهد.

22 . Iceland

جدول ۳. مقادیر شاخص جدایی‌گزینی تک‌گروهی برای گروه‌های شغلی و تحصیلی

طبقات شغلی و تحصیلی	شاخص جدایی‌گزینی	شاخص آنتروپی	شاخص جینی	جدایی‌گزینی اتکینسون	شاخص تراکم مطلق
طبقه پایین	۰,۳۵۸٤	۰,۰۹۹٤	۰,٤۸۹۵	۰,۵۲۱۳	۰,۳۹۱۸
طبقه متوسط	۰,۳۰۵٦	۰,۰۸۹٦	۰,٤۲۰۵	۰,۲٤۸۲	۰,٦۸٤۷
طبقه بالا	۰,٤۰۷۳	۰,۱٤٦۹	۰,۵۵۱۳	۰,٤۰٦۳	۰,۷۱۳۵

مأخذ: یافته‌های نگارندگان: ۱٤۰٤

بر طبق یافته‌های این پژوهش، نتایج به صورت ذیل قابل توجه است:

۱) شاخص جدایی‌گزینی: مشاهده می‌شود مقدار محاسبه‌شده این شاخص توسط نرم‌افزار برای پایگاه‌های اجتماعی – اقتصادی پایین (low) برابر با ۰/۳۵۸٤، متوسط (medium) برابر با ۰/۳۰۵٦ و بالا (high) برابر با ۰/٤۰۷۳ به‌دست‌آمده است. لذا بر طبق این شاخص، در سطح شهر نقده پایگاه اجتماعی– اقتصادی بالا دارای بیشترین سطح جدایی گزینی مسکونی است و بعدازآن پایگاه‌های پایین و متوسط قرار دارند. بر این اساس می‌توان گفت پایگاه اجتماعی– اقتصادی پایین نسبت به سایر پایگاه‌ها دارای توزیع هموارتری در سرتاسر سطح شهر نقده می‌باشد.

۲) شاخص آنتروپی: رقم این شاخص در شهر نقده برای پایگاه اجتماعی – اقتصادی پایین ۰/۰۹۹٤ و برای پایگاه‌های بالا و متوسط به ترتیب ۰/۱٤٦۹ و ۰/۰۸۹٦ اگرچه این شاخص نیز وجود جدایی گزینی مسکونی را در شهر نقده به‌خصوص برای پایگاه اجتماعی – اقتصادی نشان می‌دهد.

۳) شاخص جینی: مقدار این شاخص برای پایگاه‌های اجتماعی- اقتصادی بالا و پایین، جدایی گزینی شدید را با مقادیر ۰/۵۵۱۳ و ۰/٤۸۹۵ نشان می‌دهد. پایگاه اجتماعی اقتصادی متوسط نیز در این شاخص با مقدار ۰/٤۲۰۵ همچنان تمایل جدایی گزینی مسکونی متوسط را از خود نشان می‌دهد.

٤) جدایی‌گزینی اتکینسون: شاخص اتکینسون با وزن ۰/۹ محاسبه شده که ارزش این شاخص بین ۰ و ۱ است. جایی که صفر است نشان‌دهنده توزیع عادلانه و جایی که یک است به معنی جدایی گزینی کامل می‌باشد. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود مقدار محاسبه‌شده این شاخص توسط نرم‌افزار برای پایگاه اجتماعی– اقتصادی پایین ۰/۵۲۱۳، می‌باشد که جدایی گزینی بالایی را از خود نشان می‌دهد و پس‌ازآن پایگاه‌های اجتماعی – اقتصادی بالا و متوسط به ترتیب با مقادیر ۰/٤۰٦۳ و ۰/۲٤۸۲ قرار دارند.

۵) شاخص تراکم مطلق: مقدار محاسبه‌شده این شاخص توسط نرم‌افزار برای پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا ۰/۷۱۳۵،

مقدار بالای می‌باشـــد که جدایی‌گزینی بالایی را از خود نشـــان می‌دهد و گویای این مطلب اســـت که نســـبت بالایی از اعضـای این پایگاه در کوچک‌ترین واحدهای فضـایی شهری زندگی می‌کنند. پس از آن پایگاه‌های اجتماعی – اقتصادی پایین و متوسط به ترتیب با مقادیر ۰/۳۹۱۸ و ۰/٦٨٤٧ جدایی‌گزینی متوسطی را ارائه می‌دهند و نشان می‌دهد که اعضای این پایگاه‌ها در واحدهای فضایی شهری بزرگ‌تری به نسبت اعضای پایگاه پایین زندگی می‌کنند.

۲) بعد خوشه‌بندی

۲-۱) شاخص خوشه‌بندی مطلق: این شاخص میانگین تعداد اعضای گروه X در مناطق مجاور را به‌صورت یک نسبت از کل جمعیت در مناطق مجاور، مطرحمی نماید. مقدار این شاخص از حداقل صفر به معنی غیرهمجواری و تا حداکثر نزدیک به یک (نه هرگز برابر با یک) به معنی هم‌جواری در نوسان می‌باشد (دجونی[۲۳]، ۲۰۰۹، ص. ۲۲). همان‌طور که در جدول ٤ مشاهده می‌شود مقدار این شاخص در محدوده موردمطالعه برای پایگاه‌های اجتماعی – اقتصادی پایین (low)برابر با ۰/۷۹٦۹، متوسط (medium) برابر با ۰/۱۸۳۰ و بالا (high) برابر با ۰/۱۵۳۰ است، لذا بر طبق این شاخص می‌توان گفت در سطح شهر اعضای پایگاه اجتماعی – اقتصادی پایین دارای درجه خوشه‌بندی و هم‌جواری واحدهای مسکونی بیشتری به نسبت پایگاه‌های بالا و متوسط می‌باشند.

۲-۲) متوسط نزدیکی و مجاورت میان اعضای یک دسته: پایین بودن بسیار زیاد شاخص مجاورت نشان دهنده این است که هر سه طبقه شغلی الزام و تمایلی برای سکونت در کنار اعضای گروه خود و در نتیجه جدایی‌گزینی ندارند. مقادیر این شاخص در محدوده موردمطالعه برای پایگاه‌های اجتماعی – اقتصادی پایین برابر با ۱/٤٨۰۵، متوسط برابر با ۱/٤۰۲۱ و بالا برابر با ۱/۳۱۹۳ همگی تمایل اعضای همه‌ی پایگاه‌ها به زندگی در میان اعضای گروه خودشان و به‌تبع آن وجود پدیده جدایی گزینی در میان این پایگاه‌ها را نشان می‌دهند.

۲-۳) شاخص تنزل فاصله: شاخص تنزل فاصله برای طبقه بالا نزدیک به صفر است که نشان می‌دهد اعضای این طبقه جدایی‌گزینی ندارد. مقدار محاسبه‌شده این شاخص برای پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین ۰/۷۷۵۰، مقدار بالای می‌باشد که انزوا و جدایی گزینی بالای اعضای این پایگاه را از خود نشان می‌دهد پس‌ازآن پایگاه‌های اجتماعی اقتصادی متوسط و بالا به ترتیب با مقادیر انزوا ۰/۱۵۰۳ و ۰/۰۹۹۳ جدایی گزینی متوسطی را تشکیل می‌دهند.

جدول ٤. محاسبه شاخص‌های بعد خوشه‌بندی گروه‌های شغلی و تحصیلی

طبقات شغلی و تحصیلی	خوشه‌بندی مطلق	متوسط نزدیکی و مجاورت میان اعضای یک دسته	شاخص تنزل فاصله
طبقه پایین	۰,۷۹٦۹	۱,٤۸۰۵	۰/۷۷۵۰

[23] . DJONIE

طبقه متوسط	۰,۱۸۳۰	۱,٤۰۲۱	۰/۱۵۰۳
طبقه بالا	۰,۱۵۳۲	۱,۳۱۹۳	۰/۰۹۹۳

مأخذ: یافته‌های نگارندگان: ۱٤۰٤

شـــکل ۳، مقدار ضـــریب مکانی برای هر بلوک آماری را به تفکیک هر پایگاه اجتماعی –اقتصـــادی نشـــان می‌دهد. همان‌طور که مشـــاهده می‌شـــود، پایگاه اجتماعی – اقتصـــادی پایین عمدتاً در منطقه جنوب، جنوب غربی و غرب دارای بیشـــترین میزان ضـــریب مکانی و جدایی‌گزینی می‌باشـــند. وجود الگوی خوشـــه‌ای برای این پایگاه در این نقشـــه کاملاً مشـــخص اســـت. پایگاه اجتماعی– اقتصادی متوسط عمدتاً در نواحی جنوب شرقی و شرق دارای بیشترین مقدار ضریب مکانی و جدایی‌گزینی می‌باشـد. تا حدودی وجود الگوی خوشـه‌ای نیز در نقشـه‌ی مربوط به این پایگاه مشـخص است. پایگاه اجتماعی– اقتصـادی بالا نیز عمدتاً در نواحی شـمال شـرقی، شـرق و جنوب شرقی دارای بیشترین مقدار ضریب مکانی و جدایی‌گزینی اسـت. عدم وجود الگوی خوشه‌ای و پیوستگی واحدهای مسکونی این پایگاه نیز در نقشه مربوط به این پایگاه دیده می‌شود.

نسخه پیش انتشار

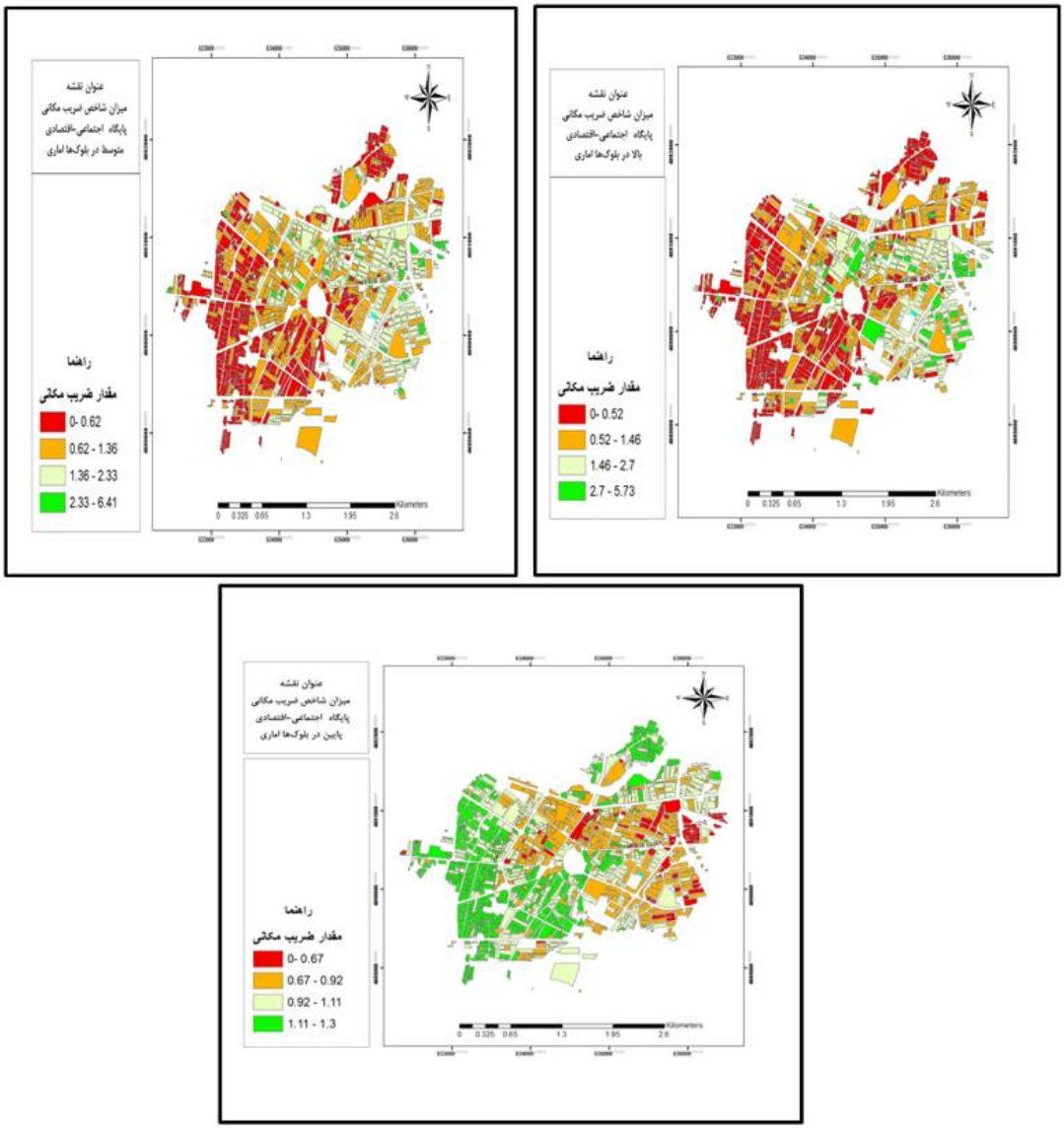

شکل ۳. مدل ضریب مکانی گروه‌های جمعیتی برحسب تحصیلات و موقعیت شغلی

مأخذ: یافته‌های نگارندگان: ۱٤۰٤

در ادامه تحقیق حاضر به هدف معین نمودن محل بالاترین تجمع فضایی پایگاه‌های گوناگون اجتماعی اقتصادی شهر نقده از آنالیز لکه‌های داغ بهره‌مند شده است. تحلیل لکه‌های داغ از قبیل تحلیل‌های تهیه نقشه خوشه‌ها می‌باشد این تحلیل آماره گتیس – آرد جی٢٤ را برای همه‌ی عوارض موجود در داده‌ها تا حساب می‌نماید. امتیاز ۲ حساب‌شده در این تحلیل نمایش می‌دهد که در کجای داده‌ها با مقدارهای زیاد و باکم خوشه‌بندی‌شده‌اند. این تحلیل درواقع به هر عارضه در ساختار عوارضی که در همسایگی‌اش قرار دارنده نگاه می‌کند. اگر عارضه‌ای مقدارهای بیشتر داشته باشد جالب و مهم است، ولی به‌تنهایی ممکن است یک لکه داغ معنادار ازنظر آماری نباشد. برای اینکه یک عارضه لکه داغ

24 Getis-Ord Gi

تلقی شـــود و از نظر آماری معنادار نیز باشـــد باید هم خودش و هم عوارضـــی که در همســـایگی‌اش قرار دارند دارای مقدارهای بیش‌تر باشـند. برای امتیاز Z مثبت، هر چه اعتبار Z بالاتر باشد، مقدارهای بالا به میزان زیادی خوشه‌بندی‌شده و لکه داغ شـکل می‌دهند. برای امتیاز منفی، هر چه امتیاز ۲ کوچک‌تر باشـد به مفهوم خوشه‌بندی شدیدتر مقدارهای کم خواهد بود و این‌ها در حقیقت لکه‌های سرد را نمایش می‌دهند (عسگری، ۱۳۹۰: ۷۵).

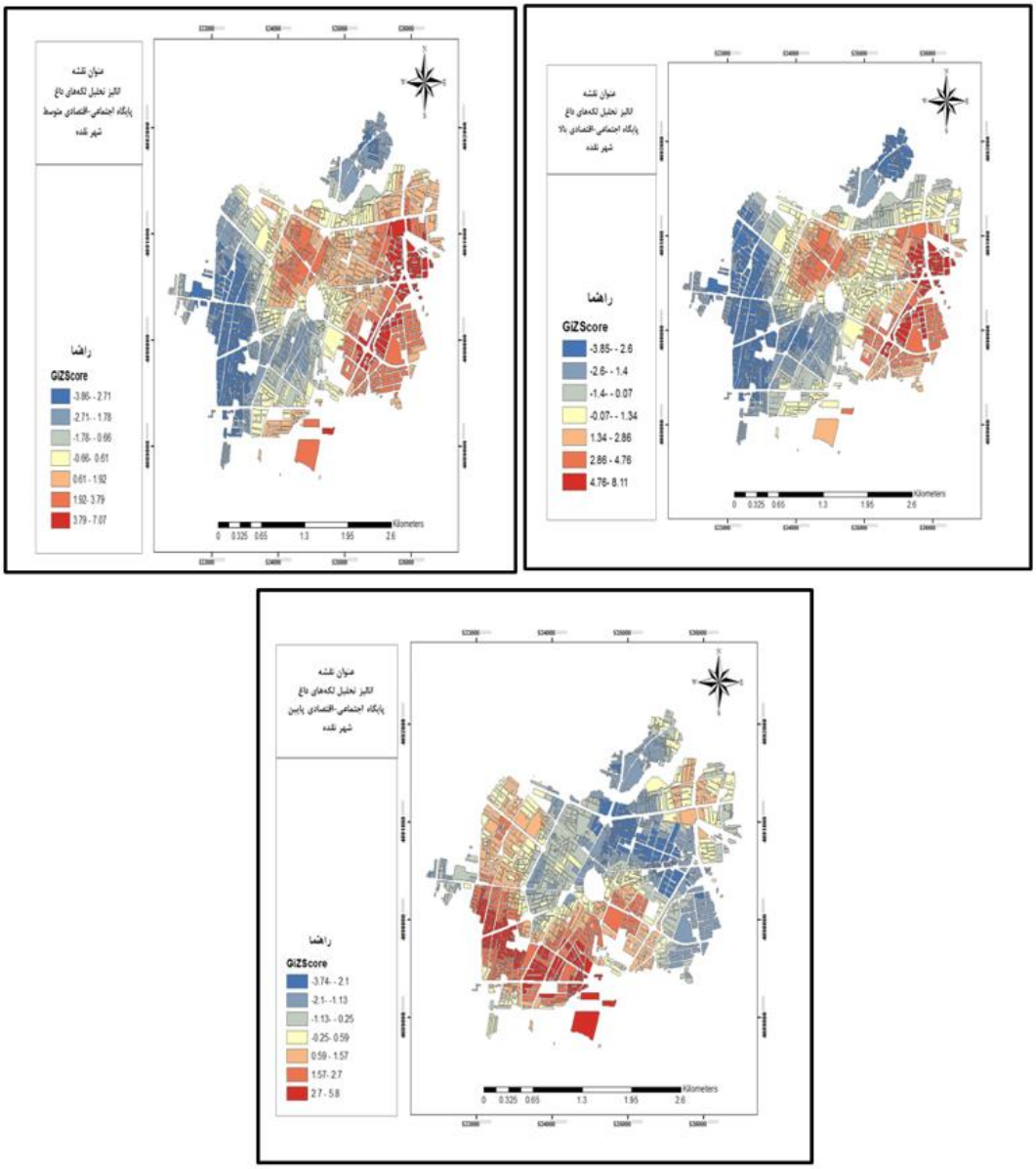

شکل ٤. نقشه تحلیل لکه داغ پایگاه بالا، متوسط و پایین

مأخذ: یافته‌های نگارندگان: ١٤٠٤

همان‌گونه که در شـکل‌های ٤ دیده می‌شـود بالاترین گردهمایی فضـایی پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا (لکه‌های داغ) در تقریباً حوالی مرکز شـهر نقده و نیز ناحیه شـمال شرق و شرق شهر خوشه‌بندی‌شده است و در مقابل کمترین گردهمایی

فضـایی این پایگاه لکه‌های سـرد (در نواحی شـمال غرب شـهر خوشـه‌بندی‌شـده است. در خصوص پایگاه اجتماعی – اقتصـادی متوسـط بیشـترین تجمع قضـایی لکه‌های داغ) در سـمت شـمال شـرقی، شـرق و جنوب شـرقی شـهر نقده خوشـه‌بندی‌شـده اسـت و کمترین گردهمایی فضـایی این پایگاه (لکه‌های سرد) نیز در شمال غرب و جنوب غرب شهر خوشـه‌بندی‌شـده است، بیشترین گردهمایی فضایی پایگاه اجتماعی – اقتصادی پایین (لکه‌های داغ) نیز در سمت جنوب و جنوب غربی شهر نقده خوشه‌بندی‌شده است و در مقابل کمترین گردهمایی فضایی این پایگاه لکه‌های سرد در نواحی شـمال غربی شـهر خوشـه‌بندی‌شـده اسـت. نتایج حاصل نشان داد که درمجموع، بیشتر شاخص‌های موردمطالعه، وجود میزان بالای از پدیده جدایی‌گزینی مسکونی در میان پایگاه‌های مختلف اجتماعی– اقتصادی است. در این میان در سطوح شـهر پایگاه اجتماعی اقتصـادی پایین دارای بالاترین سـطوح جدایی گزینی مسـکونی اسـت و بعدازآن پایگاه‌های بالا و متوسـط قرار دارند. در مقایسـه پایگاه‌ها با یکدیگر نیز، مقایسـه پایگاه اجتماعی – اقتصـادی پایین با دو پایگاه دیگر، جدایی‌گزینی بیش‌تری این پایگاه‌ها نسـبت به یکدیگر را نمایش می‌دهد. در مقابل مقایسـه‌ی دو پایگاه بالا و متوسـط با یکدیگر جدایی‌گزینی کمتر این دو پایگاه و سازگاری بیشتر محیط مسکونی آن‌ها را نمایش می‌دهد.

در نهایت میتوان اذعان نمود که نابرابری در سطح شهر نقده در برخورداری از شاخص‌های توسعه پایدار و عدم تعادل فضایی موجبات دوری شهر از شاخص‌های توسعه پایدار شهری شده است. این فضاهای ناهمگون و نابرابر نه تنها درکل گستره شهر مشهود است بلکه در بین محلات شهر بیشتر خود نمایی می‌کند. با نگاه عمیق به مؤلفه‌های توسعه پایدار شهری، به‌ویژه عدالت اجتماعی، عدالت محیطی و رشد متوازن، می‌توان دریافت جوهر مایه آن در سطوح مختلف جهانی، ملی، منطقه‌ای و مناطق درون‌شهری نهفته است. از این رو اهمیت محله و مناطق و نارضایتی ساکنان محلات و مناطق و نبود توجه کافی در این زمینه، اهمیت و ضرورت این پژوهش را چند برابر می‌کند. در این پژوهش به تحلیل و بررسی نابرابری و جدایی‌گزینی شهری در سطح شهر نقده پرداخته شده است. همانطور که قبلا مورد اشاره قرار گرفت عوامل مختلفی (اقتصادی و اجتماعی) سبب جدایی‌گزینی مناطق همجوار با آن می‌شود که این مسأله پیامدهای منفی به همراه دارد. بنابراین بررسی و شناخت عوامل موثر بر جدایی‌گزینی شهری سبب کاهش تاثیرات منفی بر مناطق شهری می‌شود. از این‌رو اهمیت و ضرورت این پژوهش واضح و روشن بوده و نتایج آن می‌تواند به‌صورت کاربردی در آینده مورد استفاده برنامه‌ریزان شهری و شهرسازان واقع شود.

٤. بحث

در دهه‌های اخیر یک‌زمان با افزایش مقدار مهاجرت به شـهرها و کلان‌شـهرها، تراکم شـهری و پیدا پدیده نخسـت شـهری و رشـد شـهرنشـینی از یک‌سـو و نداشـتن سـیاست‌های هماهنگ و برنامه‌ریزی‌شده از دیگر سو، سبب پیدایش قدرت‌طلبی، نابرابری و بی‌عدالتی‌های فضـایی و اجتماعی در سطوح شهری شده است. جدایی گزینی شهری یکی از این مانع را آماده می‌کند چون این موضـوع بی‌نصـیبی اجتماعی در شـهرها را نیرومند می‌نماید. با نگرش به حقیقت‌های شـهرهای کشـورهای درحال‌توسعه می‌توان ادعا کرد که جدایی گزینی تنها یک پدیده انبوه جامعه‌شناسی نمی‌باشد، اما با

عکس‌العمل‌های مهم افراد و خانوارهای ساکن در مناطق به بسیاری جدایی گزین شده قرابت به فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی هم‌قدم شده است. جدایی گزینی بی‌نصیبی‌های خدمات را بر دسته‌های جمعیتی معینی اجبار می‌کند، (ازجمله جلوگیری از توانایی به زیرساخت‌ها و خدمات عمومی اساسی مدارس، خدمات سلامتی و درمانی). همچون جدایی گزینی زمان‌های اشتغال پایین، تبعیض و نابرابری بیش‌تر و آشکار بیش‌تر خشونت و نارضایتی را سبب می‌گردد. ازاین‌رو مسئله جدایی گزینی نگرش فزاینده‌ای را در بحث‌های دانشگاهی و سیاست‌گذاری در مقدار زیادی از کشورهای درحال‌توسعه به خود تخصیص داده‌اند.

هدف مطالعه حاضر بررسی میزان جدایی‌گزینی اجتماعی – اقتصادی در شهر نقده به منظور درک نابرابری‌های اجتماعی در این شهر و غلبه و کاهش بر آثار و پیامدهای منفی جدایی‌گزینی و نابرابری‌های فضایی بود. از آنجایی که پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد مهم‌ترین بعد به منظور نمایش جدایی‌گزینی فضایی است از این بعد جدایی‌گزینی در این مطالعه استفاده شد. به این منظور جمعیت بر حسب طبقه‌های اجتماعی بالا، متوسط و پایین طبقه‌بندی شدند. بر پایه شاخص‌های سنجش جدایی‌گزینی تک‌گروهی به بررسی میزان جدایی‌گزینی طبقات شهری اقدام شد. که نتایج حاکی از یک جدایی‌گزینی متوسط میان طبقه‌های اجتماعی شهر بود. بیشترین تجمع فضایی این پایگاه پایین و بالا در خروجی‌های نقشه آنتروپی نیز در سمت شمال شرق و شرق شهر نقده خوشه‌بندی‌شده است پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین و متوسط عمدتاً در جهات جغرافیایی جنوب شرقی و شرق شهر نقده خوشه‌بندی‌شده است. بیشترین تجمع فضایی بالا و متوسط در تمام جهات شهر خوشه بند شده است؛ و در بررسی تجمع سه پایگاه در سمت شمال شرقی و جنوب شرقی خوشه‌بندی‌شده است. در مجموع برحسب تحلیل‌های گوناگون دارای خروجی نقشه‌ای در شهر نقده پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین غالباً در جهت جغرافیایی جنوب، جنوب غربی، این شهر مستقرشده‌اند. بالاترین گردهمایی (فضایی این پایگاه لکه‌های داغ) نیز در سمت جنوب شهر نقده خوشه‌بندی‌شده است و در مقابل پایین‌ترین گردهمایی فضایی این پایگاه (لکه‌های سرد) در نواحی شمال غربی شهر خوشه‌بندی‌شده است. پایگاه اجتماعی اقتصادی متوسط عمدتاً در جهت جغرافیایی شمال شرقی، شرق و جنوب شرقی مستقرشده‌اند. بالاترین گردهمایی فضایی (لکه‌های داغ این پایگاه در سمت شرق شهر نقده خوشه‌بندی‌شده است و پایین‌ترین گردهمایی فضایی این پایگاه (لکه‌های سرد) نیز در شمال غرب و جنوب غربی شهر خوشه‌بندی‌شده است. پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا نیز غالباً در نواحی شمال شرق و شرق شهر نقده مستقرشده‌اند، بالاترین گردهمایی فضایی این پایگاه (لکه‌های داغ) در حوالی شرق شهر نقده شهر خوشه‌بندی‌شده است و در مقابل پایین‌ترین گردهمایی قضایی این پایگاه (لکه‌های سرد) در نواحی شمال غربی شهر خوشه‌بندی‌شده است.

یافته‌های این پژوهش از یک سو با پژوهش جامی و همکاران (۱۴۰۱) و گلچین‌فر و همکاران (۱۴۰۳) هم‌سو است که معتقدند اقشار ضعیف‌تر جامعه به طور قابل توجهی از منظر سطح تحصیلات و طبقه شغلی در نواحی حاشیه‌ای جنوبی و گاها در خارج از محدوده خدماتی شهر با سطح خدمات بسیار پایین‌تر سکنی گزیده‌اند. همچنین اقشار برخوردار جامعه با نسبت بالایی متمایل به سکونت در نواحی گرانقیمت‌تر شمال‌غربی، با سطح خدمات بالاتر و با آب و هوایی بهتر هستند.

از دیگر سو با نتایج پژوهش مباشر امینی (۱۳۹۷)، قضایی و همکاران (۱۳۹۳) و فراش و همکاران (۱٤۰۰) هم‌خوانی دارد که یکی از متغیرهای مهم در بروز پدیده جدایی‌گزینی محرومیت و شرایط اقتصادی پایین است. در واقع اینطور می توان بیان کرد که با حرکت از بلوکه های واقع در نواحی مرکزی شهر به پیرامون شهر شرایط اقتصادی نامطلوبتر می‌شود و نواحی مرکزی از شرایط متعادل‌تری برخوردار می‌باشد که این عامل می‌تواند به تمرکز فقر و محرومیت‌ها و پیامدهای ناشی از آن منجر شود که این خود باعث کاهش تماس‌های بین طبقاتی و افزایش جدایی‌گزینی در شهر شود. همچنین نتایج نشان داد که میزان جدایی‌گزینی فضایی افراد دارای تحصیلات عالی و بیسواد بیشتر از سایر گروههای تحصیلی است و در مقابل گروههای دارای میزان تحصیلات پایین‌تر در همدیگر ادغام شده‌اند که در بلوک های واقع در مناطق پایین شهر و سکونتگاه‌های غیررسمی بیشتر از سایر نقاط است. از این رو می‌توان گفت شهر نقده تغییرات شگرفی را در طی دهه‌های اخیر تجربه کرده و ادامهٔ این توسعه و گسترش نیز برای این شهر همچنان قابل تصور است. یکی از چالش‌هایی که رشد و توسعه شهر را از منظر پایداری اجتماعی آن تهدید می‌کند، جدا شدن گروه‌های مختلف اجتماعی از یکدیگر است.

۵. نتیجه‌گیری

توزیع نابرابر ثروت یکی از مولدهای جدایی‌گزینی در شهرهاست و باعث ایجاد تفاوت‌های اقتصادی در زندگی و نحوهٔ نگرش مردم به ارائه خدمات شهری می شود. بدیهی است که ظرفیت امکانات شهری محدودیت معینی دارد. در سطحی کلان‌تر، توزیع نابرابر ثروت بین شهرهای بزرگ و کوچک خودبخود موجب بروز جدایی‌گزینی در شهرهای بزرگ می‌شود، یعنی وقتی اشتغال و امکانات رفاهی در شهرهای کوچک وجود نداشته باشد، جدایی‌گزینی در شهرها متولد می‌شود. . در واقع اینطور می‌توان بیان کرد که با حرکت از نواحی مرکزی شهر به پیرامون شهر شرایط اقتصادی نامطلوبتر می‌شود و نواحی مرکزی از شرایط متعادل‌تری برخوردار می‌باشد که این عامل می‌تواند به تمرکز فقر و محرومیت‌ها و پیامدهای ناشی از آن منجر شود که این خود باعث کاهش تماس‌های بین طبقاتی و افزایش جدایی‌گزینی در شهر شود. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های مقایسه شده در این می‌باشد که در پژوهش‌های پیشین شاخص‌های موثر در جدایی-گزینی فقر و کیفیت مسکن با در نظر گرفتن ویژگی‌های اقتصادی در یک محله و منطقه مشخص می باشد اما در پژوهش پیش‌رو شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بصورت مجزا در سطح شهر نقده مورد سنجش و ارزیابی واقع شده است. بر این اساس می‌توان نوآوری این پژوهش را تلفیق استفاده از سنجش شاخص‌های جدایی‌گزینی در نرم افزار جدایی‌گزینی و مدل ایداس، جهت تدوین الگویی که وضعیت سطح شهر را به صورت کلی و هم در تک تک شاخص های جدایی‌گزینی اقتصادی و اجتماعی در سطح شهر را تحلیل نماید را عنوان کرد.

در نهایت نتایج برگرفته از پژوهش پیش‌رو، ما را به این مسئله رهنمون می‌سازد که عامل مسئله‌ساز، قابل توجه و دارای اولویت در جدایی‌گزینی شهر نقده، عامل اشتغال و در رأس آنها درآمد است که ریشه این ضعف را از یک طرف باید در نحوه برنامه‌ریزی و تهیه طرح‌های توسعه شهری از طرف دیگر در نحوه تحقق اهداف و برنامه‌های طرح‌های

توسعه شهری از سوی مدیریت شهری دانست.

پیشنهادات

– تقسیم دادگرانه فرصت‌های آموزشی، شغلی، خدمات و کالاها می‌تواند در تغییر نظر اشخاص ساکنین در ناحیه پایگاه پایین‌شهر نقده، قرابت به وضعیت موجود خود و جامعه و نظام اجتماعی کمک نموده و گرایش به عمل مجرمانه را در آن‌ها کاهش دهد، نتایج چنین فرایندی ایجاد حس اعتماد بالاتر در بین خانوارهای پایگاه‌های مختلف اجتماعی – اقتصادی و گرایش به جدایی گزینی مسکونی پایین‌تر در بین آن‌ها خواهد بود.

– اجرا نقشه‌های بهسازی و نوسازی شهری و اعطای تسهیلات لازم در این خصوص، به‌منظور بهسازی نوسازی بافت‌های فرسوده مرکز شهر نقده و تیر مناطق فقیر این شهر که می‌تواند زمینه‌ساز جذب جمعیت خانوارهای پایگاه متوسط و بالای شهری به این مناطق شده و سطوح حاضر جدایی گزینی در این مناطق را کاهش دهد.

– تلاش در جهت رفع فقر در قسمت محله‌های شهر مانند محلات جنوب غربی شهر نقده و ممانعت از گسترش فقر به دیگر محله‌های شهری که در صورت گسترش، بر جنبه‌های منفی جدایی گزینی در سطح شهر خواهد افزود در نظر نگرفتن به مناطق فقیرنشین شهرنشین به بهانه نگرانی گسترش آن، هزینه به‌مراتب بالاتری دربر خواهد داشت و َشهر را درخطر انواع تهدیدها ازجمله اجتماعی و اقتصادی و زیست‌محیطی قرار خواهد داد.

–اجرا نقشه‌های بهسازی و نوسازی شهری و اعطای تسهیلات لازم در این خصوص، به‌منظور بهسازی نوسازی بافت‌های فرسوده مرکز شهر نقده و تیر مناطق فقیر این شهر که می‌تواند زمینه‌ساز جذب جمعیت خانوارهای پایگاه متوسط و بالای شهری به این مناطق شده و سطوح حاضر جدایی گزینی در این مناطق را کاهش دهد.

– توسعه نظام حمل‌ونقل عمومی و احداث زیرساخت‌های مربوطه با آن به‌قصد کاهش نیاز به مجاورت محل زندگی به محل شغل، مخصوصاً برای قشرهای پایگاه اجتماعی – اقتصادی پایین، پیشنهاد می‌گردد. با طراحی سیستم حمل‌ونقل عمومی کارا و ارزان از قبیل اتوبوس شهری که شهر فاقد اتوبوس خط شهری است.

کتابنامه

۱.پاپلی یزدی، م.، و رجبی سناجردی، ح. (۱۳۸۹). *نظریه‌های شهر و پیرامون*. چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.

۲. جامی اودولو، م.، یزدانی، م.، و جلیلی صدرآباد، س. (۱٤۰۱). سنجش جدایی‌گزینی مسکونی شهر اردبیل با استفاده از شاخص اندازه‌گیری چندگروهی. *جغرافیا و آمایش شهری و منطقه‌ای*، ٤٤، ۱۵۱–۱۷۰.

۳.جامی اودولو، م.، یزدانی، م.، و جلیلی صدرآباد، س. (۱٤۰۱). سنجش جدایی‌گزینی فضایی – اجتماعی گروه‌های تحصیلی و شغلی در شهر اردبیل. *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۱۰ (۲)، ۷۳–۹۲.

٤. جلیلی صدرآباد، س. (۱۳۹۵). تأثیر ایجاد بزرگراه‌های درون شهری بر میزان جدایی‌گزینی فضایی– اجتماعی محله-های همجوار با آنها موردکاوی: بزرگراه امام علی (ع) در محدوده‌های منطقه ۱ و ۸ شهرداری تهران، به راهنمایی دکتر اسماعیل شیعه، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.

۵. زنگنه، ی.، سمیعی‌پور.، د. (۱۳۹۱). مهاجرت، تحرک سکونتی و ساخت اجتماعی – فضایی شهر سبزوار. *مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۳ (۱۲)، ۱۰۱– ۱۱۸.

٦. ضمیری، م.، نسترن، م.، و قلعه‌نویی، م. (١٤٠٢). تحلیل جدایی‌گزینی اجتماعی فضایی گروه‌های قومی در شهر بجنورد. *فصلنامه مطالعات شهری*. ۱۳ (۵۰): ۸۹–۷۷.

۷. شکویی، ح. (۱۳۹۱). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات سمت.

۸. قادری، ص.، رمضی، ن.، و فراش، ن. (١٤٠٢). بازشناسی و تحلیل نابرابری‌های اجتماعی – فضایی اسکان در جامعه شهری تهران. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*. ۱۳ (٤٩): ۳۵–۱.

۹. قدیری، م. (۱۳۸۹). تبیین افتراق اجتماعی – فضایی آسیب‌پذیری کلانشهر تهران در برابر زلزله، چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان. ۲۵ فروردین ۱۳۸۹، ۱۷–۱.

۱۰. قضایی، م.، پاکشیر، ع.، لطفی، س.، سلطانی، ع.، و گلی، ع. (۱۳۹۳). بررسی جدایی‌گزینی‌های شهری گروه‌های مختلف جمعیتی شهر مشهد با تأکید بر ویژگی‌های سکونت. *فصلنامه فضای جغرافیایی*. ١٦ (٥٦)، ۵۱–۳۳.

۱۱. لطفی، س.، قضائی، س. (۱۳۹۸). بررسی نقش جدایی‌گزینی در شکل‌گیری بافت‌های محنت‌زدهٔ شهری نمونه موردی: قاسم‌آباد مشهد. *جغرافیا و توسعه*. ۱۷ (٥٤)، ٣٦–۱۵.

۱۲. گلچین‌فر، ص.، کاشانی‌جو، خ.، و ذاکرحقیقی، ک. (١٤٠٣). سنجش جدایی‌گزینی فضایی–اقتصادی و ارتباط آن با ساختار فضایی شهر (مطالعهٔ موردی: کلانشهر تهران). *مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای*. ۲۲ (۲)، ۳۲۰–۲۹۳.

۱۳. مباشر امینی، م. (۱۳۹۷). مطالعه جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر در محله‌های مسکونی محلات ۱۳گانه شهرداری منطقه. *فصلنامه پژوهش اجتماعی*. ۱۰ (۳۷)، ۸۵–۷۲.

١٤. میرآبادی، م.، رجبی، آ.، و مهدوی حاجیلویی، م. (۱۳۹۷). تبیین و تحلیل عدم تعادل فضایی و سنجش عوامل موثر بر تمرکز و جدایی‌گزینی در شهر مهاباد. *فصلنامه فضای پژوهشی*. ۱۸ (٦٢)، ٢٧٤–٢٥٣.

۱۵. یزدانی، م.، جامی اودولو، م.، و عباسی تقی‌دیزج، ر. (١٤٠٠). تحلیل جدایی‌گزینی در عرصه‌های روستا شهری با تاکید بر توسعه میان‌افزا (موردپژوهی: عرصه‌های روستاشهری شهر اردبیل). *جغرافیا و روابط انسانی*. ۵ (٤)، ٧٤١–٧١٥.

١٦. یزدان‌نیاز، ا.، بهزادفر، م.، و دانشپور، ع. (١٤٠٢). تحلیل فضایی جدایی‌گزینی اجتماعی- فضایی در بافت‌های ناکارآمد شهری موردکاوی: محلهٔ قیطریه کلان‌شهر تهران. *اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری*. ٤ (۱۳)، ۱۵۸–۱۷۹.

۱۷. یزدانی، م.، سلطانی، ع.، نظم‌فر، ح.، و عطار، م. (۱۳۹۵). سنجش جدایی‌گزینی مسکونی پایگاه‌های اجتماعی – اقتصادی اندازهٔ شهر شیراز با استفاده از شاخص‌گیری چندگروهی. *نشریهٔ تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*. ١٦ (٤٢)، ۲۲۲–۱۹۷.

18. Alivon, Fanny and Rachel Guillain. 2018. Urban Segregation and Unemployment: A Case Study of the Urban Area of Marseille– Aix-en-Provence (France). *Regional Science and Urban Economics*, 72©. Elsevier

19. Logan, T.D., and Parman, J.M. (2016). Segregation and mortality over time and space. Social Science & Medicine, 199, 77–86.

20. Apparicio, P., Joan Carles, M., & Amber, L. (2014). Pearson and Éric Fournier and Denis Apparicio, An open-source software for calculating indices of urban residential segregation, *Social Science Computer Review*, 32, 1.

21. Albouy, D. (2016). What are cities worth? Land rents, local productivity, and the total value of amenities. *The Review of Economics and Statistics*, 98(3), 477– 487. 10.

22. Albouy, D., & Stuart, B. (2014). Urban population and amenities: The neoclassical model of location. NBER Working Paper.

23. Bogus, L. (2008). Urban Segregation: a theoretical approach, In Proceedings of the 13th Biennial Conference of International Planning History Society, IPHS, Chicago, IL, USA.

24. Bishop, B. (2008). The big sort: Why the clustering of like-minded America is tearing Us Apart. New York, Houghton Mifflin.

25. Chetty, R., & Hendren, N. (2018). The impacts of neighborhoods on intergenerational mobility II: County-level estimates. *Quarterly Journal of Economics*, 133(3), 1163–1228.

26. Delmelle, E. C. (2019). The increasing sociospatial fragmentation of urban America. *Urban Science*, 3(1), 9.

27. Edlund, L., Machado, C., & Sviatschi, M. (2015). Bright minds, big rent: Gentrification and the rising returns to skill. NBER Working Paper Series No. 21729.

28.Feitosa, F. (2012). Urban segregation as a complex system: An agent-based simulation approach, PhD diss., Universitäts-und Landesbibliothek Bonn.

29. Florida, R., & Adler, P. (2018). The patchwork metropolis: The morphology of the divided post-industrial city. *Journal of Urban Affairs*, 40(5), 609–624.

30. Friesenecker, M., Kazepov, Y. (2021). Housing Vienna: The Socio-Spatial Effects of Inclusionary and Exclusionary Mechanisms of Housing Provision. *Social Inclusion*, 9(2), 77-90.

31. Fiel, E. (2021). Relational Segregation: A Structural View of Categorical Relations, *Sociological Theory*, 39 (3).

32. Iceland, J. (2010). "Cicely Sharpe and Erika Steinmetz. Class differences in African American residential patterns in US metropolitan areas: 1990–2000", Social Science Research, 34, 1, USA.

33.Joseph, L., (2008). Findind Space beyond Variables: Analytical Review of Urban Space and Social Inequalities, Space for Difference: An Interdisciplinary Journal, 1 (2): 25-90

34. Kaplan, D. H., & Woodhouse, K. (2004). Research in ethnic segregation I: Causal factors. Urban Geography, 25(6): 579-585.

35. Kaplan, D., Douzet, F. (2013). Research in Ethnic Segregation III: Segregation Outcomes. *Urban Geography*, 32 (4), 589-605.

36. Kolkowski, L., Oded, C., Malvika, D., Trivik, V., Erik, J., Matej, C., Isak Jarlebring, R. (2023). Measuring activity-based social segregation using public transport smart card data. *Journal of Transport Geography*, 110 (3), 1-9.

37. Li, X., Huang, X., Li, D., Xu, Y. (2022). Aggravated social segregation during the COVID-19 pandemic: Evidence from crowdsourced mobility data in twelve most populated U.S. metropolitan areas. *Sustainable Cities and Society*, 81, 113.

38. Legeby, A. (2013). Patterns of co-presence: Spatial configuration and social segregation, Doctoral thesis, KTH, School of Architecture and the Built Environment (ABE), Architecture, Urban Design.

39. Rodriguez, A. (2024). Social inequality and residential segregation trends in Spanish global cities. A comparative analysis of Madrid, Barcelona, and Valencia (2001-2021), *Cities*, 149, 1-11.

40. Sun, CH, Shibuya, Y., & Sekimoto, Y. (2024). Social segregation levels vary depending on activity space types: Comparison of segregation in residential, workplace, routine and non-routine activities in Tokyo metropolitan area. *Cities*, 146 (6), 1-18.

41. Marcińczak, S., Sako Musterd, V., & Titi, T. (2016). Inequality and rising levels of socioeconomic segregation: Lessons from a panEuropean comparative study, East Meets West: New Perspectives on Socio-economic Segregation in European Capital Cities, London/NewYork: Routledge.

42. Matas, M. (2024). Beyond residential segregation: Mapping Chilean social housing project residents' vulnerability. *Journal of Urban Management*, 13 (1), 140–156.

43. Milias, V., & Psyllidis, A. (2022). Measuring spatial age segregation through the lens of co-accessibility to urban activities. Computers, *Environment and Urban Systems*, 95, 1-12.

44. Massey, S., & Denton, N. (1998). The dimensions of residential segregation, *Social Forces*, 67(2), 281-315.

45. Nicoletti, L., Sirenko, M., & Verma, T. (2022). Disadvantaged communities have lower access to urban infrastructure. Delft University of Technology, 50 (3), 831-849.

46. Nielsen, M., & Hennerdal, P. (2019). Segregation of residents with tertiary education in Sweden from 1990–2012, The Professional Geographer, 71(2), 301-314.

47. Niembro, A., Guevara, T., & Cavanagh, E. (2021). Urban segregation and infrastructure in Latin America: A neighborhood typology for Bariloche, Argentina. *Habitat International*, 107, 1-18.

48. Nightingale, C., (2012), "Segregation: A Global History of Divided Cities", New York: The University of Chicago Press.

49. Pokmen, J., & Vaughan, L. (2018). Geographies of ethnic segregation in Stockholm: The role of mobility and co-presence in shaping the ‘diverse’ city. *Urban Studies*, 56 (12), 1-37.

50. Tammaru, T., Marchinczak, S., Aunap, R., Van Ham, M., Janssen, H. (2020). Relationship between income inequality and residential segregation of socioeconomic groups. *Regional Studies*, 54 (4), 450-461.

51. Piekut, A. (2021). Re-Theorising Spatial Segregation: A European Perspective. In: Pryce, G., Wang, Y.P., Chen, Y., Shan, J., Wei, H. (eds) Urban Inequality and Segregation in Europe and China. The Urban Book Series. Springer, Cham.

نسخه پیش انتشار